

امامت و رهبری

محمد حسین مختاری

www.ketab.ir

امامت و رهبری

محمد حسین مختاری

● ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

● تهیه: معاونت پژوهشی

● ویراستار: ایوب زارعی

● چاپ: باقری

● چاپ اول: بهار ۱۳۹۰

● شمارگان: ۱۴۰۰ نسخه

● قیمت: ۵۵۰۰ تومان

● عنوان: ۱۹۰؛ مسلسل: ۳۲۴

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان شهداء (صفائیة)، کوچه آمار، پلاک ۴۲

تلفن و دورنگار: ۷۸۳۲۸۳۳، پخش: قم ۷۸۳۲۸۳۴؛ تهران ۵-۳۰۳-۸۸۹۴۰۳

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۸۵۸، کدپستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹

وب سایت: www.isca.ac.ir

پست الکترونیک: nashr@isca.ac.ir

مختاری، محمد حسین، ۱۳۴۴ -

امامت و رهبری / محمد حسین مختاری؛ تهیه معاونت پژوهشی... قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.

ISBN: 978-600-195-048-3

۳۹۲ ص.

۵۵۰۰ ریال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص [۳۶۹] - [۳۷۲]؛ همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه.

۱. امامت، ۲. رهبری (اسلام)، ۳. شیعه امامیه - عقاید. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه

علمیه قم. معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ب. عنوان.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱۳
-----------	----

فصل اول: مفاهیم و کلیات

معنای لغوی امام	۲۵
معنای اصطلاحی امام	۲۷
امامت از نظر تشیع	۲۹
امامت به معنای ولایت	۳۴
انقطاع‌ناپذیر ولایت	۳۵
راز خداشناسی در گرو اعتقاد به امامت	۳۷
امامت از نظر اهل تسنن	۳۹

فصل دوم: شرایط کلی امامت

عصمت امام	۴۶
معنا و مفهوم عصمت	۴۷
دلایل عقلی لزوم عصمت برای امام	۵۱
۱. عدم عصمت امام، مقتضی لزوم تسلسل	۵۱

۵۲	۲. امام پاسدار احکام شرع
۵۳	۳. عصمت ملازم با اطاعت امام
۵۵	۴. فقدان عصمت، منافی با افضلیت امام
۵۶	۵. برتری امام نسبت به دیگران
۵۸	ادله‌ی نقلی بر عصمت امام
۵۸	۱. آیه‌ی امامت
۶۱	۲. آیه‌ی اطاعت
۶۲	۳. آیه‌ی تطهیر
۶۶	علم و بصیرت
۶۷	چگونگی علم امام
۷۱	دلایلی نقلی بر علم حضوری امام
۷۱	آیات
۷۵	روایات
۸۰	دیدگاه نهج البلاغه درباره‌ی علم امامان
۸۰	اهل بیت معدن‌های علوم و گنجینه‌های رحمان
۸۱	امامان؛ استوانه‌های دین و چشمه‌های دانش و حکمت
۸۲	اثمه اطهار، قرآن ناطق‌اند
۸۳	چگونه از راه روشن بازتان می‌گردانند؟
۸۷	پاک‌زادی
۸۹	عدالت امام

فصل سوم: فلسفه امامت

۹۴	تکامل معنوی در پرتو نصب امام معصوم
----	------------------------------------

۱۰۱	حفاظت و پاسداری از دین
۱۰۶	لزوم اتمام حجت
۱۰۷	زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نیست
۱۰۸	امام واسطه‌ای میان خدا و خلق
۱۱۱	پیش‌گیری از انحراف فکری

فصل چهارم: ضرورت و اهمیت رهبری

۱۱۴	خودسری؛ رمز سقوط فرد و جامعه
۱۱۶	عدالت اجتماعی
۱۱۷	استقلال، آزادی و امنیت
۱۱۸	حاکمیت نظم و قانون

فصل پنجم: ضرورت شناخت امام

۱۲۳	اعتقاد به خداوند، ملازم شناخت امام
۱۲۴	رهایی از ضلالت و گمراهی
۱۲۶	نصب امام بر عهده‌ی کیست؟
۱۲۷	نصب امام از افعال الهی است
۱۲۹	خدا و رسول ﷺ، منشأ شناسایی امام
۱۳۲	او کجا و انتخاب بشر؟!
۱۳۶	سخنی با اهل سنت
۱۳۹	میزان اطاعت از امام

فصل ششم: لزوم تأسیس حکومت

۱۵۷	رهبری حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه
-----	--

۱۶۷	حقوق متقابل رهبر و امت
۱۶۹	الف) حقوق مردم بر رهبر
۱۷۲	ب) حقوق رهبر بر مردم
۱۷۵	وظایف رهبری

فصل هفتم: دلایل امامت علی علیه السلام

۱۸۰	۱. امامت علی علیه السلام در قرآن
۱۸۰	الف) آیه ولایت
۱۸۳	ب) آیه مباهله
۱۸۵	ج) آیات تبلیغ و اکمال
۱۹۴	غدیر در شعر و ادب فارسی
۱۹۶	۲. نص بر امامت علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۹۷	الف) حدیث ثقلین
۱۹۸	ب) حدیث منزلت
۲۰۲	ج) حدیث انذار
۲۰۴	د) حدیث سفینه
۲۰۵	هـ) حدیث حق
۲۰۷	۳. نص بر امامت علی علیه السلام در نهج البلاغه

فصل هشتم: صفات ویژه علی علیه السلام

۲۱۱	۱. دانش و حکمت راهبری
۲۱۳	افضلیت امام

۲۱۴	علی، سرآغاز علوم و دانش هاست
۲۱۶	علی، وارث علوم پیامبران
۲۲۰	علی در دانش پنهان فرو رفته است
۲۲۱	علی، دارای علم و کتاب است
۲۲۳	خبرهای غیبی حضرت علی علیه السلام
۲۲۴	۲. عدالت و دادگری
۲۲۶	جسارت و قاطعیت در رعایت تساوی حقوق
۲۲۹	حکومت، راهی به سوی عدالت
۲۳۱	مصادره‌ی اموال ستمگران
۲۳۷	اتمام حجت
۲۳۸	تلاش در جهت اعمال دستورهای قرآن و سنت
۲۴۰	علی علیه السلام در برابر ظلم
۲۴۳	سیری به نامه‌ها و توصیه‌های علی علیه السلام به کارگزاران
۲۴۵	لطف و مهربانی نسبت به مردم
۲۴۷	والی نباید تحت تأثیر پست و مقام قرار گیرد
۲۵۰	۳. شجاعت و پایداری
۲۵۸	۴. زهد و وارستگی
۲۵۹	الف) زهد در عبادت
۲۶۲	ب) زهد در زندگانی
۲۶۹	۵. تدبیر و سیاست
۲۸۳	۶. پیشینه‌ی درخشان

فصل نهم: امامت دیگر امامان معصوم علیهم السلام

۲۸۸	الف) حدیث جابر
۲۸۹	ب) سخن ابن عباس
۲۹۰	بهترین رهبران
۲۹۱	مقام ویژه‌ی اهل بیت
۲۹۷	وحدت امامت در هر عصر

فصل دهم: امامت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

۳۰۱	غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
۳۰۳	فلسفه‌ی غیبت
۳۰۵	مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) در نهج البلاغه
۳۰۶	الف) خطبه‌ی ۹۹ نهج البلاغه
۳۰۹	ب) خطبه‌ی ۱۳۸ نهج البلاغه
۳۱۱	ادامه‌ی سخنان حضرت امیر علیه السلام
۳۱۲	ج) خطبه‌ی ۱۵۰ نهج البلاغه
۳۱۵	د) حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه
۳۱۶	ه) حکمت ۲۰۰ نهج البلاغه

فصل یازدهم: ولایت فقیه؛ تداوم امامت

۳۱۹	پیش درآمد بحث
۳۲۰	ضرورت حکومت در جامعه

۳۲۰	۱. زندگی جمعی انسان‌ها
۳۲۱	۲. سنت و روئیه‌ی رسول اکرم ﷺ
۳۲۲	۳. ابدیت و جاودانگی احکام اسلام
۳۲۲	۴. ماهیت و کیفیت قوانین اسلام
۳۲۳	۵. آیات و روایات
۳۲۳	۵-۱. آیات
۳۲۷	۵-۲. روایات
۳۲۹	دلایل اثبات ولایت فقیه
۳۲۹	الف) دلیل عقلی
۳۳۰	ب) دلیل نقلی
۳۳۰	۱. مقبوله‌ی عمر بن حنظله
۳۳۴	۲. توقیع مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
۳۳۵	۳. روایت امام حسین علیهما السلام
۳۳۷	۴. روایت رسول گرامی اسلام ﷺ
۳۳۸	۵. روایتی دیگر از رسول خدا ﷺ
۳۳۹	۶. روایت امام صادق علیهما السلام

فصل دوازدهم: حدود اختیارات ولی فقیه

۳۴۲	احکام اولی و ثانوی
۳۴۴	نقش عناوین ثانوی در فقه و حکومت اسلامی
۳۴۹	ولایت بر تشریع
۳۵۱	دلایل عقلی و نقلی بر عدم خلاء قانونی در اسلام

۳۵۱		۱. آیه قرآن
۳۵۲		۲. روایات
۳۵۵		۳. دلیل عقلی
۳۵۸		ولایت فقیه انتصابی است یا انتخابی؟
۳۶۲		ولایت فقیه و دموکراسی
۳۶۹		کتابنامه
۳۷۵		فهرست آیات
۳۸۰		فهرست روایات

www.ketab.ir

پیش گفتار

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على سيدنا و نبينا خاتم الانبياء والمرسلين،
ابى القاسم محمد و آله الهداة المرضيين، اولياء الله على الناس اجمعين و لا اله
على امور الدنيا والدين سيماء بقية الله فى الارضين مولينا المنتظر والعدل المشهر
الامام مهدى عليه السلام.

بحث امامت يکى از مباحث زنده و مهم معارف اسلامى است که همواره مورد
توجه اندیشمندان و صاحب نظران اسلامى بوده است.

مسئله امامت را نباید تنها به عنوان یک مسئله نظرى و تاريخى تلقى کرد، بکله
بحثى عقلى و مربوط به مسائل اعتقادى است که تقریباً اکثر قریب به اتفاق
متکلمان و صاحبان فکر و اندیشه در باره آن به بحث و تبادل نظر پرداخته اند و
طبیعى است تنها از این طریق است که مى توان به ماهیت و حقیقت آن دست یافت
و به نتیجه اى معقول و قابل قبولی رسید.

در اهمیت بحث امامت، همین بس که در طول تاریخ اسلام در همه اعصار
همواره میان دانشمندان اسلامى اعم از متکلمان و فلاسفه و عرفا مورد بحث و
بررسى قرار گرفته و در این باره کتاب های متعددى به رشته تحریر درآمده است.
به هر ترتیب امامت خواه به صورت کلامى طرح گردد، خواه به سیرت مسئله
فلسفى ارزیابى شود و خواه در کسوت عرفان نظرى مشاهده گردد از مسائل

اعتقادی به شمار آمده و در ردیف بحث از اوصاف و افعال خداوند است، گرچه سطح طرح آن در علوم یاد شده یکسان و یکنواخت نیست، زیرا امامت نزد عارف همان خلافت الهی بر همه موجودات جهان آفرینش از عرض ملکوت تا فرش طبیعت و ناسوت است و امام همان انسان کاملی است که تنها به یمن او آسمان‌ها و زمین ارتزاق می‌کنند و به منظور تنظیم امور فردی و اجتماعی جوامع بشری مأموریت می‌یابد، بلکه برای تعدیل اسمای حسنای الهی ستمی ویژه دارد، چون هر اسمی دولت خاص به خود را می‌طلبد و اقتضای مخصوص دارد، تنها اسم اعظم است که جامع همه آنها بوده و هر اسمی را به مقتضای خاص خود می‌رساند و نظم اسماء را حفظ می‌نماید.

امامت نزد حکیم با روح قدسی همراه است و امام در باطن خویش فرشته‌ی معصوم است که حل این مسائل در خود مبانی بعضی اهل کلام، که اصل تجرد روح برای آنها روشن نشد، نخواهد بود. بالاخره امامت نزد متکلم شیعه مسئله‌ای اصلی است نه فرعی،^۱ چنان‌که تفضیل آن در جای خود خواهد آمد.

به هر صورت یکی از بحث‌های مهم که در کتاب *نهج البلاغه* به تفصیل از آن سخن به میان آمده و با شیرین‌ترین بیان و در عین حال مستدل و قاطع مطرح گردیده، راجع به امامت و خلافت است و در مورد آن سخنان متنوع و متعددی ایراد فرموده‌اند.

علیرغم اینکه برخی معتقدند در *نهج البلاغه* نصی در خصوص خلافت علی علیه السلام وجود ندارد، لیکن طرح مطالب بی‌شمار در این ارتباط، خود گویای بی‌اساس بودن این عقیده است. در *نهج البلاغه* مسائلی از قبیل انحصار وصیت و وراثت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و معرفی ایشان به عنوان قرآن ناطق و

۱. عبدالله جوادی آملی، وحی و رهبری، ص ۲۲.

شجره‌ی نبوت و محط رسالت و مختلف ملائکه و معادن علم و کنوز الرحمن و نیز تعبیری همچون وصی، وارث، امام، ولی الله و دیگر اوصاف اعجاز آمیز مطرح گردیده است.

اکنون در اینجا برخی از سخنان امیر مؤمنان علیه السلام را در این باره یادآور می‌شویم:

أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا. يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ، وَلَا يَزُقُّنِي إِلَيَّ الطَّيْرُ^۱؛ سوگند به خدا که پسر ابی قحافه خلافت را مانند جامه‌ای پوشید، در حالی که به خوبی می‌دانست من برای خلافت مانند قطب میانه آسیا هستم و علوم و معارف از سرچشمه‌ی فیض من چونان سیل سرازیر می‌شود و هیچ پروازکننده‌ای در فضای علم و دانش به اوج رفعت من نمی‌رسد. بِنَا أَهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمِ، وَ تَسَنَّنْتُمْ ذُرْوَةَ الْعُلَيَّاءِ، وَ بِنَا أَفْجَزْتُمْ عَنِ السَّرَارِ؛ هنگامی که در ظلمت جهل و گمراهی به‌سر می‌بردید به وسیله‌ی ما هدایت یافتید و قلبه بزرگواری را پیمودید و ظلمت‌های تیره‌ی خود را شکافتید.

آن‌گاه می‌فرماید:

مَا شَكَكْتُ فِي الْحَقِّ مَذْأَرِيَّتُهُ لَمْ يُوجِسْ مُوسَى عليه السلام خِفَةً عَلَى نَفْسِهِ، بَلْ أَشْفَقَ مِنْ غَلَبَةِ الْجُهَالِ وَدَوَلِ الضَّلَالِ! الْيَوْمَ تَوَاقَفْنَا عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، مَنْ وَثِقَ بِمَا لَمْ يَظُنْ^۲؛ از زمانی که حق را یافته‌ام در آن شک و تردید ننموده‌ام. حضرت موسی از خود ترس و پاکی نداشت، ترسید که مبدا جاهلان غلبه یافته و صاحبان ضلالت پیشی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. همان، خطبه ۴.

گیرند. امروز ما و شما بر سر راه حق و باطل مواجه شدیم، قطعاً کسی که اطمینان به آب داشته باشد تشنه نمی‌شود.

أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَرَجُلَهُ، وَإِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَلَا لَبَسَ عَلَيَّ^۱؛ آگاه باشید که شیطان حزب خود را بسیج کرده و سواره و پیاده لشکرش را گرد آورده است ولیکن بصیرت من از من جدا نمی‌شود، حق را بر خود نپوشیده‌ام و نه آن بر من پوشیده شده است.

وَإِنِّي لَأَمْلَأُ يَمِينَ مِنْ رَبِّي، وَغَيْرِ شُبْهَةٍ مِنْ دِينِي^۲؛ من به وجود پروردگارم یقین دارم و در دین خود تردیدی به خود راه نمی‌دهم. «وَإِنَّمَا أَنَا قُطْبُ الرَّحَا تَدُورُ عَلَيَّ وَأَنَا بِمَكَانِي، فَإِذَا فَارَقْتُهُ اسْتَحَارَ مَدَارُهَا، وَأَضْطَرَبَ نَفَالُهَا^۳؛ من قطب آسیا هستم که آسیا به اطراف من دور می‌زند و من در جای خود هستم و اگر از آن جداگردم مدار آسیا متزلزل شده و سنگ زیرین آن مضطرب می‌گردد».

و صدها نمونه از این گونه کلمات گوهریار و ارزشمند که جملگی بر امامت و رهبری علی علیه السلام و اولاد طاهرش به صراحت دلالت دارند.

هر انسان با انصاف و صاحب وجدانی با سهولت می‌تواند از این دست سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام بر حقانیت و جامعیت فضایل و کرامات او قضاوت نماید و در نهایت به روشنی قادر است تصدیق کند که امام قطب عالم امکان است و همه چیز گرد محور او می‌چرخد.

۱. همان، خطبه ۱۰.

۲. همان، خطبه ۲۲.

۳. همان، خطبه ۱۱۸.

اساساً اسراری در کتاب ارزشمند نهج البلاغه نهفته است که نفس این کلمات و سخنان و خطبه‌ها قبل از هر چیز بطور آشکار دلیل بر ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام است، همان‌طور که روایات آل پیغمبر نیز خود بهترین حجت بر دلیل بودن آنان است و خود آن بزرگان دلیل امام بودن خودشان‌اند، چنان‌که «الدلیل دلیل لنفسه و آفتاب آمد دلیل آفتاب. این سینا در رساله‌ی معراجیه، رساله‌ی نبوت و الهیات شفا راجع به اینکه کلمات سفرای الهی و حاملین وحی همه سر و رمز است می‌گوید: «گفته‌های نبی همه رمز باشد به معقول آکنده»^۱.

بنابراین اگر آدمی از روی خردورزی به مسئله بنگرد به این نتیجه خواهد رسید که کتاب قیّم نهج البلاغه خود بهترین دلیل و گواه بر صدق گفتار ماست و دیگر احتیاجی به ادله و براهین عقلی و نقلی نیست. مگر آن‌که از روی تعصبات ناروا و پیش‌فرض‌های نابخردانه که محصول تلاش‌های مستمر دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت در مخدوش نمودن چهره‌ی حقیقی پیشوایان معصوم می‌باشد به موضوع نگاه کند که در این صورت به تناسب جهل و نادانی خویش همچون دیگر زمینه‌ها به نتیجه‌ی نادرستی دست می‌یابد، ولی در هر صورت هرگز نمی‌توانند حقایق را انکار کنند.

همان‌گونه که در تاریخ مضبوط است، بسیاری از آنان حتی از بزرگان ایشان در مواقع مقتضی اعترافاتی داشته‌اند که ذکر آنها در این مختصر نمی‌گنجد، ولی برای نمونه می‌توان گفت تنها راجع به فصاحت و بلاغت آن حضرت مطالب بی‌شماری از آنان نقل شده به گونه‌ای که این معنا به صورت امری طبیعی و بدیهی درآمده است، چنان‌که معاویه اذعان نموده، می‌گوید: راه فصاحت و بلاغت را بر قریش کسی غیر علی علیه السلام نگشوده و قانون سخن را کسی غیر از او تعلیم نداده

۱. حسن حسن‌زاده آملی، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه.

است. بلغا در وصف کلام آن جناب گفته‌اند: «دُونِ كَلَامِ الْخَالِقِ، فَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِ؛ کلام حضرت پایین‌تر از کلام آفریدگار و برتر از کلام آفریدگان است». کتاب نهج البلاغه قوی‌ترین شاهی است در این باب که مستوفیان عرب طریق خطابه و کتابت را از آن حضرت تعلیم یافته‌اند.^۱

زیبایی سخنان علی علیه السلام به قدری اعجاب‌انگیز بود که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داد، به گونه‌ای که بسیاری از بزرگان عرب مجذوب سخنانش می‌گردیدند و همواره اشتیاق داشتند از زبان آن حضرت خطبه‌ها و سخنانی را استماع نمایند.

اکنون نیز خطبه‌های سراسر پرشور و هیجان‌انگیز آن حضرت با آن مضامین عالی و بلندی که دارد، دل‌ها را مجذوب و شیفته خود می‌سازد، درون انسان جوششی ایجاد می‌کند و او را متحول می‌سازد، به نحوی که نشاط و طراوت خاصی به وی دست می‌دهد؛ البته این چیزی نیست که تنها دوستان و شیفتگان علی علیه السلام بدان اذعان داشته باشند، بلکه همه کسانی که از خطبه‌ها و سخنان گران سنگ آن حضرت اندک اطلاعی دارند به این حقیقت سخت معترف‌اند.

آری نیروی خلاق فصاحت و بلیغ آن حضرت همچون شمع و نیروی بدنی او برای اسلام و مسلمین مفید و مؤثر است و حقیقتاً شمشیر زبان آن حضرت گاهی بر ذوالفقارش پیشی می‌گیرد. به قول حکیم سنایی:

به دو تیغ او به ذوالفقار و زبان	کرده یک تیغ همچو تیر جهان
بود تیغی زبان گوه‌رباش	که بدو کرده علم عالم فاش
دیگری ذوالفقار بران بود	کافت جان شیر غران بود ^۲

۱. شیخ عباس قمی، الفصول العلیه، ص ۱۰۹.

۲. سنایی غزنوی، حدیقه الحقیقه، ص ۲۴۶.

این مطلب را نباید از نظر دور داشت که همه‌ی فضایل و کرامت‌هایی که با عنایت الهی در علی علیه السلام جمع بود در جهت بارور ساختن نهال نوظهور اسلام و تقویت و تحکیم بنیه‌ی آن بسی لازم و سودمند بود، چنان‌که آن حضرت در مقاطع گوناگون عمر پربار اسلام عزیز در راستای دفاع از ارزش‌های آن، به تناسب اقتضا و نیاز زمان با قوّت و توانمندی بی‌نظیر و با برخورداری از روح صبر و استقامت، ظاهر و پدیدار می‌شد.

طبیعی است مطابق تواریخ و مآخذ قطعی، انسان‌هایی در مکتب اسلام تربیت یافته‌اند که نه تنها در دوران و محیط خود انسان‌هایی نمونه بوده‌اند، بلکه نمونه‌ی انسانیت تمام قرون و اعصار آینده می‌باشند.

علی بن ابی طالب علیه السلام ساخته شده‌ی مکتب اسلام است. نتایج فلسفه، اخلاق، اقتصاد، سیاست، حقوق و عبادات اسلامی در این مرد مجسم شده و به خوبی نمودار گشته است. از میان صدها هزار جملات تمجیدآمیزی که از آن بزرگوار چه از زبان مسلمانان و چه از زبان غیر مسلمانان، خواه از مشرق‌زمینی‌ها و خواه از مغرب‌زمینی‌ها، چه در گذشته و چه در حال، گفته شده است، تنها یک جمله را از شبلی شمیم، ماتریالیست معروف، در اینجا نقل می‌کنیم:

الامامُ علیُّ بن ابیطالب عظیمُ العُظماءِ نُسخةٌ مُفردةٌ لَمْ یَرِ لها الشَّرْقُ وَلَا الْغَرْبُ صُورَةً طِبَّقَ الْأَصْلُ لَا حَدِیثاً وَلَا قَدِیماً؛^۱ یعنی پیشوا علی بن ابی طالب بزرگ بزرگان، یگانه نسخه‌ای است که نه شرق و نه غرب، نه امروز و نه در گذشته نسخه‌ای مطابق آن اصل ندیده است.

۱. به نقل از: محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۱۳.

صفات ویژه‌ی امام معصوم

به اعتقاد ما ائمه اطهار علیهم‌السلام دارای صفات و فضایل خاصی بوده، به گونه‌ای که نمی‌توان دیگران را با ایشان مقایسه نمود. در مدح و منقبت علم و هدایت درباره‌ی ایشان خداوند متعال در قرآن کریم تمام گوهرهای گرانبها و صفات پسندیده از قبیل دانش و حلم و جود و شجاعت، فصاحت و بلاغت، عصمت و طهارت و مانند آن را در ایشان جمع نموده است. چنان‌که حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در بیان گوشه‌ای از صفات ممتاز امام معصوم چنین می‌فرماید:

وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ وَ
أَوْدَعَ قَلْبَهُ بِتَأْيِيعِ الْحِكْمَةِ وَ أَلْهَمَهُ الْعِلْمَ إِلَهَامًا فَلَمْ يَغَيِّ بِغَدِهِ بِجَوَابٍ وَ
لَا يُخَيِّرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ
الْخَطَايَا وَ الزَّلَلِ وَ الْعِتَارِ يَخُصُّهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ
شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ أَوْ يَكُونُ مُخْتَارَهُمْ بِهِذِهِ
الصِّفَةِ فَيَقْدُمُونَهُ؟^۱ همانا چون خدای عز و جل بنده‌ای را برای اصلاح
امور بندگانش انتخاب فرماید، سینه‌اش را برای آن کار گشاده کند و
چشمه‌های حکمت در دلش گذارد و علمی به او الهام کند که از آن
پس از هیچ پاسخی در نماند و از درستی منحرف نگردد، پس او
معصوم است و تقویت شده و با توفیق استوار گشته و از هر گونه خطا
و لغزش و افتادنی در امان است، خدا او را به این صفات امتیاز
بخشیده تا حجت او بر بندگانش و گواه بر مخلوقاتش باشد و این بخشش

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، «باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته»، ص ۲۹۰.

و کرم خداست که به هر که خواهد عطا کند و خدا دارای کرم بزرگی است. آیا مردم چنان قدرتی دارند که بتوانند چنین کسی را انتخاب کنند و یا ممکن است انتخاب شده‌ی آنها این گونه باشد تا او را پیشوا سازند؟ بدین ترتیب ولایت را می‌توان از طریق تقوا و سیر و سلوک معنوی به دست آورد ولیکن امامت به موهبت خاص الهی است که تنها با اعطای ذات اقدس حق حاصل می‌شود و با اعطا و انشای دیگران پدید نمی‌آید. بدیهی است پیامبر بزرگ اسلام از جانب خداوند فردی را به عنوان جانشین و امام جامعه به مردم معرفی می‌کند.

شیخ الرئیس ابن سینا گوید:

این شخص که پیامبر است کسی نیست که مثل او در هر وقت به وجود آید و وجود مکرر پیدا کند زیرا آن ماده‌ای که چنین کمالی را می‌پذیرد در بعضی از مزاج‌ها به وجود می‌آید و کم است، بنابراین به ناچار واجب است که رسول و پیامبر خدا به منظور ابقای شریعت و سنت خود در اموری که متعلق به مصالح انسانیت است تدبیری بزرگ بیندیشد.^۱ بنابراین پیامبر ﷺ نسبت به امر عظیم خلافت بی تفاوت نبوده، بلکه به فرمان خداوند انسان کامل و جامع شرایطی را به عنوان جانشین خود تعیین فرموده است، و این نیست مگر به انگیزه تداوم و استمرار هدایت و رهبری جامعه اسلامی، چه آن که جانشین او در واقع خلقه دوم رسالت اوست که بایستی آیین و شریعت او را تبیین و تفسیر نماید و حوایج عموم مردم را در امر دین و دنیا برآورده سازد. آری، نه تنها پیامبر اکرم ﷺ در مواقع مختلف از علی علیه السلام بر خلافت و جانشینی خود یاد کرده، بلکه در ضمن سخنانی متعدد همگان را بر دوستی و

محبت و معرفت و شناخت حقیقت وجودی وی توصیه و سفارش فرموده است، همان‌گونه که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَحْبَبَكَ أَهْلُ الْأَرْضِ كَمَا يُحِبُّكَ أَهْلُ السَّمَاءِ
لَمَا عَذَّبَ اللَّهُ أَحَدًا مِنْهُمْ بِالنَّارِ؛^۱ سوگند به آن‌که مرا به حق به پیامبری
برانگیخت، اگر اهل زمین تو را دوست می‌داشتند، همچنان‌که اهل
آسمان تو را دوست می‌دارند، قطعاً خداوند هیچ یک از آنان را به
آتش، عذاب نمی‌کرد.

طبیعی است طبق سخنان نبوی دوستی و معرفت خاندان عصمت و طهارت و
نیز پیروی از ایشان، باعث رهایی از آتش جهنم و نجات از خشم و غضب الهی
است. حقیقتاً بدون محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام نمی‌توان سعادت و نیکبختی را
در دو جهان کسب کرد، چه آن‌که کلید فلاح و رستگاری انسان در گرو معرفت و
دوستی با ایشان است:

معرفة آل محمد، براءة من النار وَ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ جَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ،
وَالْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ، أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ؛^۲ معرفت آل محمد، سبب برائت
از آتش است و دوستی با آل محمد، جواز عبور از صراط است و
ولایت آل محمد، باعث ایمنی از عذاب است.

در لسان روایات عشق و محبت به خاندان پیامبر صلوات الله علیهم سبب
آمرزش گناهان بوده و اگر کسی با این حال از دنیا برود در زمره‌ی شهدا به شمار
خواهد آمد. همچنین تعبیرهای جالب و تکان‌دهنده‌ای نظیر «مات مغفوراً له»،
«مات تائباً»، «مات مؤمناً مستکمل الایمان»، «یزف الى الجنة كما تزف العروس

الی بیت زوجها» و...^۱ وجود دارد که همگی دال بر این حقیقت اند که پایه و اساس اسلام و حتی مدار و محور جهان آفرینش محبت و مودّت به آل محمد ﷺ است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف آل محمد ﷺ می فرماید

هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ، وَعِمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمُ الْغَالِي، وَبِهِمْ يُلْحَقُ التَّالِي
وَلَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَايَةِ وَفِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَالْوَرَاةُ؛^۲ خاندان
پیامبر ﷺ اساس دین و ستون ایمان و یقین هستند. کسانی که از راه
حق دور افتاده اند به آنها رجوع نموده و عقب ماندگان نیز به ایشان
ملحق می شوند و خصایص امامت و حق امامت برای آنان ثابت است
و وصیت و وراثت نیز مخصوص ایشان است.

از خداوند سبحان مسئلت می نمایم به همه‌ی ما توفیق عنایت فرماید تا لحظه
لحظه‌ی عمرمان در راه اطاعت و پیروی از ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) و فزونی محبت
و مودّت به ایشان سپری گردد و در سرای دیگر از شفاعت این خاندان پاک
بهره مند فرماید.

در خاتمه از کلیه حضرات اهل علم و دانش بزرگان تقاضا دارم نواقص را به
قلم لطف اصلاح نموده و نگارنده را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

محمد حسین مختاری

۱. ر.ک: زمخشری، الکشاف: فخر رازی تفسیر کبیر و ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲.